

موسیقی نو در ایران «در ۱۸۸۵ میلادی»

(۲)

نوشته م. ویکتور. آدوییل
ترجمه: حسینعلی ملاح

برنامه کنسرت که توسط مسیو لومر توزیع می‌شد، شامل آثاری بود که شنونده تصور می‌کرد در یکی از اماکن عمومی پاریس، یا آرس نشسته و به کنسرت موسیقی نظامی‌ای که فصل تابستان را برای او فرح‌افزا می‌سازد گوش می‌دهد.

برنامه یکی از این کنسرت‌ها که در شب هفتم مارس ۱۸۸۲ اجرا شده بشرح زیر است:



پروگرام

آثاری که توسط شاگردان مدرسه شاهی اجراء می‌گردد:

- ۱- مارش مسعود - اثر: لومر.
- ۲- کاواتین فاوست^۱ - اثر: گونو^۲ - تکنواز بوگل: سروان یوسف‌خان^۳.
- ۳- چهارصدائی ریگولتو - اثر: وردی^۴.
- ۴- پلکای سلطان - اثر: دالبر^۵ - تکنواز فلوت کوچک: سروان میرزا حسین^۶.
- ۵- پنج صدائی سنابولا^۷ - اثر: بلیتی^۸ - تکنواز: سروان سلیمان‌خان^۹.
- ۶- پلکای اصفهان - اثر: آ. اودن^{۱۰} - تکنواز پیستون: سروان یوسف‌خان.
- ۷- اکت اول از نرما - اثر: بلیتی - تکنواز کلارینت: ستوان حاجی‌خان^{۱۱}.
- ۸- اکت چهارم لوسیا - اثر: دنی‌زتی - تکنواز ساکسن: سروان میرزا حسین.
- ۹- دو صدائی از اکت سوم نرما - اثر: بلیتی.
- ۱۰- اکت سوم ترویاتور^{۱۲} - اثر: وردی - تکنواز کلارینت (قره‌نی): سروان سلیمان‌خان.
- ۱۱- اکت پنجم ژوئو^{۱۴} - اثر: هالوی^{۱۵} - تکنواز ترمبون: ستوان علی‌محمدخان.



در سال ۱۷۷۳ ساختن يك قطعه سرود ملی به هموطن ما مسیو لومر تکلیف می‌شود. این سرود جالب، و همچنین مارش تاجگذاری توسط لومر ساخته می‌شود و بوسیله مؤسسه انتشاراتی شوندرن^{۱۶} (یا شونسن) واقع در کوچه سنت‌اونوره^{۱۷} پاریس به طبع میرسد و هزینه سنگین چاپ آن از طرف دولت ایران پرداخت می‌گردد. سرانجام، باید اضافه کرد که شاگردان مدرسه شاهی تهران، در عمارت مدرسه اقامت داشته و سالانه از یکصد و بیست تا دوست و پنجاه فرانک هزینه تحصیلی دریافت می‌کردند، و طبق

مقررات به آنها لباس و خوراک نیز داده می‌شد .
قطع نظر از دولت ، هنرموسیقی ، توسط افراد تشویق نمی‌شد ، و در سراسر شاهنشاهی ایران یک انجمن خاص فیلامونیک یا ارفه انیک^{۱۸} وجود نداشت .

1 - Cavatine de Faust.

2 - Gounod.

۳ - مرحوم روح‌الله خالقی در کتاب سرگذشت موسیقی ایران - جلد اول - صفحه ۲۲۰ نوشته است :
« از همشاکردی‌های سلیمان‌خان ارمنی که او هم نزد لومر فرانسوی کار کرده و معلومات خوبی در اداره دستجات موزیک نظام داشته یوسف‌خان است که اطلاع بیشتری از وی بدست نیامد . »

4 - Verdi

5 - D'Albert.

۶ - به احتمال قوی این شخص می‌بایست مرحوم حسین هنگ‌آفرین باشد که هم از شاگردان لومر بوده و هم با موسیقی ایرانی آشنائی داشته است - مرحوم خالقی در سرگذشت موسیقی ایران ، صفحه ۲۲۵ درباره این هنرمند چنین نوشته است : « حسین هنگ‌آفرین - معروف به حسین‌خان « Re » که رئیس یکی از دسته‌های موزیک قزاقخانه بود . این شخص علاوه بر تحصیلات موسیقی نظامی ، چون از موسیقی ایرانی هم کاملاً بهره‌مند بود و به نواختن سماتر آشنائی داشت سمت معلمی موسیقی ایرانی را در مدرسه موزیک بدست آورد (البته بعد از درگذشت لومر و دوران ریاست مرحوم سالار ممزز . مترجم) نامبرده از شاگردان بسیار خوب میرزا عبدالله بود . . . نواختن پیانو و سازهای بادی ویلن را هم می‌دانست و کلاس خصوصی هم در منزل خود فراهم آورد - معروف است که در آن زمان چون برای نواختن موسیقی ایرانی و کولک‌کردن ویلن با تار ، سیم اول ویلن را یک پرده پایین می‌آوردند ، و بجای اینکه آن را با نوت « می Mi » هم‌آهنگ کنند « Re » کولک می‌کردند و او وقتی می‌خواست است ویلن شاگردان را کولک‌کند مکرر می‌گفته است « ری ریده » به حسین‌خان « Re » مشهور شده است . هنگ‌آفرین ردیف دستگاه ماهر را که از استاد خود میرزا عبدالله فرا گرفته بود با ویلن نواخته و سالار ممزز آنرا نوشته و این نوتها بعدها در برلن بچاپ رسیده است که اکنون نسخه‌ای از آن در کتابخانه هنرستان موسیقی ملی موجود است . « حسین‌خان در سال ۱۳۰۰ شمسی با درجه سلطانی ریاست موزیک فوج پیاده پهلوی را برعهده داشته است ، وی تا درجه سرهنگی ارتقاء پیدا کرده و در سال ۱۳۳۱ شمسی جهان را بدرود گفته است . »

7 - Sonnambula.

8 - Bellini.

۹ - سلیمان‌خان یکی از بهترین شاگردان لومر بود . مرحوم روح‌الله خالقی نوشته است (سرگذشت موسیقی ایران - ص : ۲۱۹ - ۲۲۰) « . . . وی قره‌نی کوچک می‌زد ، ولی در تعلیم تمام اسبابهای بادی دست داشت و پیانو هم می‌نواخت - صاحب‌منصبان آتیه موزیک ، حتی سالار ممزز که بعدها رئیس کل موزیک بود ، احترام بسیار به او می‌گذاشتند و او را از همه شاگردان لومر برتر می‌دانستند . وی بعدها رئیس موزیک عبدالحسین میرزای فرمانفرما شد و حتی یک سفر هم برای آوردن آلات موسیقی نظام بخارج از ایران مسافرت کرد - معاونین او ، اول انوشیروان میرزا ، بعد : عبدالرحیم‌خان و سپس مجید حشمت دیوان بود ، این دسته موزیک در سفرهای آذربایجان و کرمان و کرمانشاه نیز همراه فرمانفرما بود . سلیمان‌خان بعدها دوباره به تهران آمد و مدتی رئیس موزیک علاءالدوله و چندی هم رئیس موزیک گارد سلطنتی شد . سلیمان‌خان فرزندی داشت بنام اسلان‌خان که صنعتگر خوبی بود و تا چند سال قبل که فوت کرد در خیابان فردوسی مغازه داشت و آلات موسیقی را تعمیر می‌کرد . » بقرار اطلاع ، آخرین سمت سلیمان‌خان ریاست دسته موزیک تیب عراق در عسرت آباد بود .

10 - A. Oudin.

۱۱ - ستوان حاجی‌خان یکی از رؤسای دستجات موزیک نظام بوده که نامش جزو رؤسای موزیک در صفحه ۲۳۲ کتاب سرگذشت موسیقی ایران آمده است .

12 - Donizetti.

13 - Troyator.

14 - Juive.

15 - Halevy.

16 - Choudens.

17 - Saint-Honoré.

این امر از آنجا سرچشمه می‌گیرد که: نزد ایرانی‌ها رسم ثبت نغمات نیست، علاماتی هم برای نوشتن وزن ندارند... و الی آخر... و بهمین سبب‌ها، موسیقی در این کشور نمی‌تواند از طریق نسخه‌های خطی یا چاپی اشاعه پیدا کند. نزد ایرانی‌ها همه چیز از طریق سنت (سینه به سینه) مداومت پیدا می‌کند.

موسیقی ایرانی، منحصرأ از الحانی ترکیب می‌شود که آن الحان یا به تَغنی درمی‌آیند، و یا با اسبابهای موسیقی این کشور نواخته می‌شوند - پس بطور کلی مسئله آموزش موسیقی، امری است غیر معمول.

موسیقی‌دانهای ایرانی با علم تألیف الحان آشنائی ندارند، و فقط به نیروی حافظه به اجرای آهنگها می‌پردازند.

آوازا معمولاً با یکی از سازهای رشته‌ای همراهی می‌شود - سازهای ضربی (یا کوبه‌ای) منحصرأ برای مشخص کردن وزن‌نواها بکار می‌رود - در بعض موارد، یک ساز رشته‌ای در یک محدوده ذوالخمس (فاصله پنجم) همراه با تنبک آواز را پشتیبانی می‌کنند و علی‌الاصول همواره نوازندگان جمله‌های آواز را بصورت یکصدائی و متأسفانه در محدوده فاصله چهارم یا پنجم جواب می‌گویند.

سهمی راکه مسیو لومر در اشاعه موسیقی ایرانی داشته است، ما بر بنیاد اخباری معتبر ارائه دادیم، آینده اثبات خواهد کرد که هنر این کشور تا کجا مرهون اقدامات و اراده توانای هموطن ماست.

در این میان حتی نشانه‌ای از خصیصه ثبات قدم نژاد «آرته‌زی‌بن»^{۱۹} موجود است که آن نیز مایه افتخار ماست.

دیری نگذشت که خدمات شایان توجه مسیو لومر، پاداش‌ها و افتخاراتی را نصیب هموطن ما ساخت که از آن جمله است:

قدرشناسی بزرگان ایران - برخورداری از محبت شاگردانش در همه حال، بویژه به هنگامی که ریاست کل دستجات موزیک را با درجه ژنرالی بر عهده گرفت - اخذ نشان نظامی شیر و خورشید ایران و نشان مجیدیه - نشان علمی ایران - نشان فرانسوا ژرف اتریش - نشان شوالیه تاج و تخت ایتالیا - نشان شوالیه سن‌گر گوار کبیر.

اخیراً دولت فرانسه، بنا بر درخواست سفیرش در تهران، نشان برگ خرمای فرهنگستان فرانسه را به او اعطا کرده است، در حالی که انتظار می‌رفت نشان «صلیب لژیون دونور» مربوط به خاور دور راکه به حق، شایستگی آن را داشته است به وی اعطا کنند.

اکنون، موردی که باقی می‌ماند، سخن در باب موسیقی باستانی و سازهای قدیمی ایران است. روایات فرانسویان در این زمینه کاملاً آشکار است، در این روایات، ذکر انواع رقص‌ها و تفریحات عمومی شده است، ولی بیهوده در پی یافتن نکات روشنگری در باب ساختمان سازها و چگونگی نواختن آنها هستند.

مطالبی که برای نخستین بار در اینجا نقل می‌شود، اطلاعاتی است که مسیو لومر بنا به خواهش ما گردآورده است. امید است که این مطالب نقائص موجود در تاریخ هنر موسیقی مشرق‌زمین را مرتفع کند.

رقص‌ها همواره یکی از تفریحات پراهمیت این کشور را تشکیل می‌دهند. این رقص‌ها بسیار ساده ولی سخت شهوت‌انگیز هستند و با تنبک و کف‌زدن همراه می‌باشند. اندیشه‌های راستین این رقص‌ها را می‌توان در آثاری که توسط مسیو لومر ترد شونن بچاپ رسیده است جستجو کرد، از جمله: بیست لحن محلی ایران برای پیانو، (۱۸۷۲) - پاترزه لحن محلی ایران برای پیانو (۱۸۸۱) - چهار صدائی روی نواهای ایرانی (۱۸۸۱) و غیره...



آلات موسیقی

قدیم و جدید

ایران

طرح سازها از: آقای سرهنگ علی اکبرخان^{۲۰}.

استاد دارالفنون تهران.

گفتیم که: سازهای موسیقی نظامی درکشور شاهنشاهی ایران همانهایی است که درکشور

فرانسه متداول است.

آلات موسیقی اطاقي به شرح زیر است:



تار

کاسه صوتی این ساز ازچوب توت، دسته آن ازچوب گردو، وگوشی‌های آن ازچوب شمشاد است. دهانه کاسه صوتی بوسیله پوست «بره تودلی» پوشیده شده است.

این ساز که درتمام ایالات ایران متداول است، دارای پنج سیم است که دورشته از آنها ازجنس آهن وبقیه ازجنس مس زرد رنگ است. تار را، با يك تکه مس زرد رنگ که نامش «مضراب» است می‌نوازند (۱).

سنتور

این ساز را با چوب گردو می‌سازند - دارای ۷۲ رشته سیم از جنس مس زرد است - سیم‌های آن ضخیم‌تر ازسیم تار است - این ساز را با دوکوبه چوبی که به آن «مضراب» می‌گویند می‌نوازند، سنتور درتمام ایالات ایران متداول است (۴).

دوتار

سازی است شبیه سه تار.

کاسه صوتی آن ازچوب توت ودرسته آن ازچوب گردو وگوشی‌های آن ازچوب شمشاد ساخته می‌شود. روی کاسه صوتی آن با پوست «بره تودلی» پوشیده شده است - دوسیم ازجنس ابریشم زرد رنگ دارد - این ساز را با ناخن انگشت سبابه دست راست می‌نوازند ودرایران خیلی کم درعمل می‌آید.

چنگ

این ساز که شبیه «هارپ» است دیگر درایران متداول نیست و نمی‌دانند که ازچند رشته سیم تشکیل می‌شده است - درهرات هنوزهم نواختن آن معمول است (۱۶).

دمبک^{۲۱}

نوعی طبل ازجنس چوب یا چوب پنبه است - دهانه آن با پوست بز پوشیده شده است - این ساز برای همراهی کردن آلات موسیقی دیگر بکار می‌رود و با دودست نواخته می‌شود (۲۱).

۱۸ - Orphéonique به گروهی اطلاق می‌شود که تمام خوانندگان آن را مردان تشکیل می‌دهند

و درمجامع عمومی برنامه موسیقی اجرا می‌کنند.

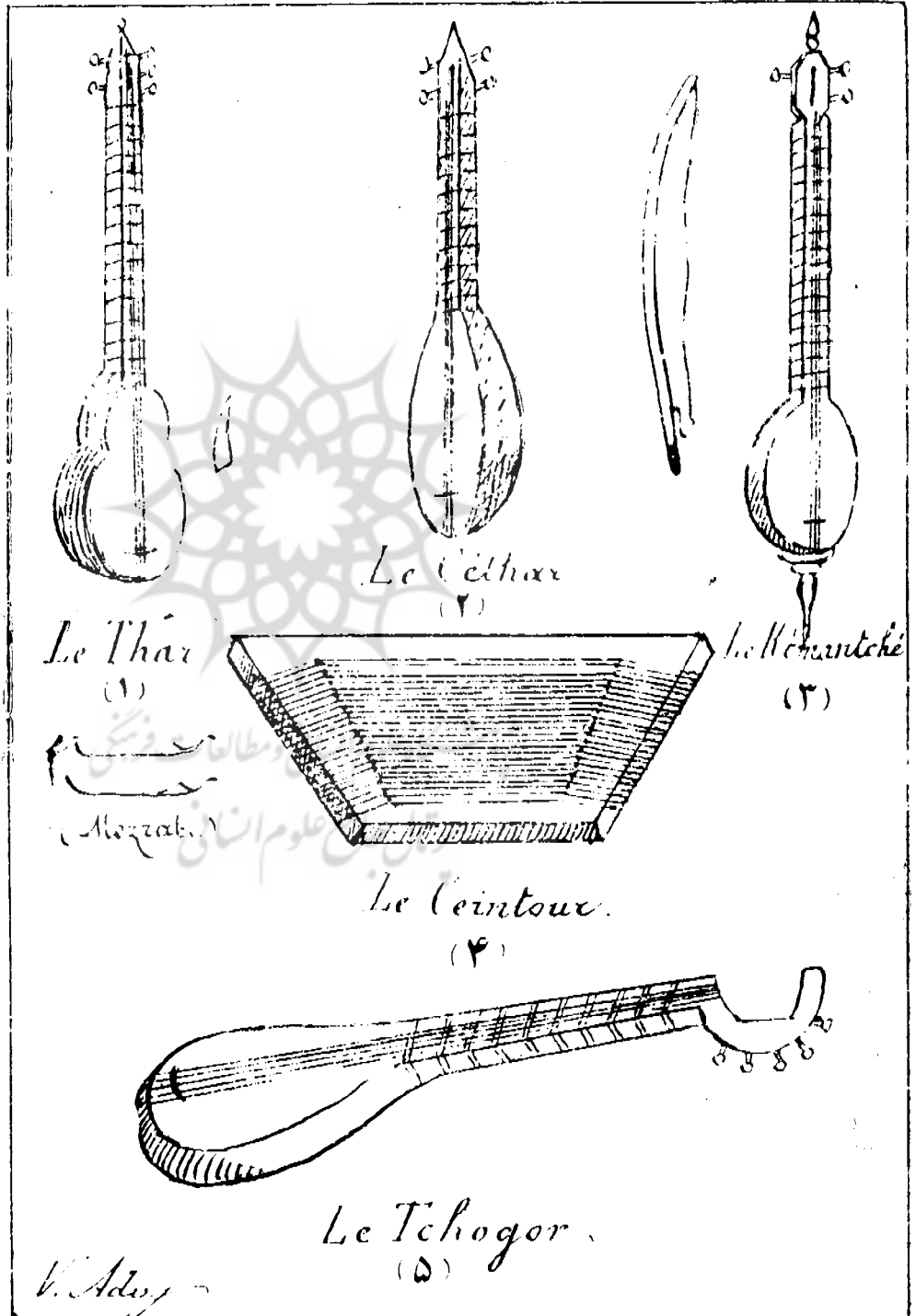
19 - Artésienne.

۲۰ - مرحوم روح‌الله خالقی در کتاب سرگذشت موسیقی ایران (جلد اول - صفحه ۲۱۳) نوشته است:

« میرزا علی اکبرخان ملقب به مزین‌الدوله که معلم فرانسه و نقاشی دارالفنون هم بود، بسمت مترجمی لومر منصوب گردید و درس موسیقی نظری اورا که برای شاگردان می‌گفت بطور سؤال و جواب به فارسی ترجمه کرد و اولین کتاب تئوری موسیقی را به سبک جدید با جمله‌های فرانسه و ترجمه فارسی آنها نوشت و در چاپخانه دارالفنون به چاپ رسانیده درمسترس شاگردان مدرسه قرارداد (۱۲۶۱ مطابق ۱۳۰۱ ه. ق.) لازم به یادآوری است که سرهنگ علی اکبرخان، عنوان نقاشی‌اش دربار را نیز داشته است.

۲۱ - در متن Le Dambéque ثبت شده است که قاعده باید Dombaqué باشد.

ساختمان این ساز شبیه تار است - چهار سیم دارد که دوتای آن از جنس آهن و دو سیم دیگر از جنس مس زرد رنگ است - سه تار را با ناخن سیاه دست راست می نوازند و در تمام ایالات ایران متداول است (۲).



قانون

قانون دیگر در ایران وجود خارجی ندارد، ولی چنانکه می‌گویند، شباهت به سنتور داشته است، این ساز هنوز هم در ترکیه موجود است.

رباب

ساختمان این ساز که همانند تار است، یک پارچه از چوب است - دارای چهار رشته سیم از جنس «زه» و دورشته سیم از جنس مس زرد است، که این دورشته اخیر به یکی از دوسوی دسته ساز نصب شده است - این ساز را با یک قطعه مس کوچک که به آن «مضرب» می‌گویند، می‌نوازند - در ایران دیگر متداول نیست، ولی در سمرقند و بخارا نواختن آن معمول است (۱۳).

دایره

سازی است شبیه «تامبور باسک» - چنبر آن از جنس چوب بید است - یک سوی دایره پوست «بز» کشیده شده و در درون چنبر حلقه‌هایی تعبیه کرده‌اند - این ساز را با دو دست می‌نوازند - دایره سازی همراهی کننده است (۱۸).

نی

یکی از انواع سازهای بادی است که از نال (یا نهال نی) ساخته می‌شود - دارای هفت سوراخ است که شش تای از آنها در یکسو و یکی از سوراخ‌ها در پشت نی قرار دارد - نواختن این ساز در تمام ایالات ایران متداول است (۹).

کمانچه

کاسه صوتی این ساز از چوب توت است که با برش‌هایی از عاج تزیین شده است. دارای سه رشته سیم است که دوتای از آنها از جنس ابریشم و یکی، از جنس مس است - این ساز را با کمانه (آرشه) می‌نوازند و در تمام ایالات ایران نواختن آن متداول است (۳).

رموز

سازی است که این اواخر توسط هنرمندی از اهالی همدان موسوم به «خسرو»^{۲۲} ابداع شده است - ساختمان این ساز با اینکه ترکیبی است از تار و کمانچه، بیشتر شبیه تار است - دارای پنج رشته است که دوتای از آنها از جنس ابریشم و سه رشته دیگر از جنس مس زرد رنگ است. این ساز را با کمانه (آرشه) می‌نوازند. فقط در تهران نواختنش معمول است^{۲۳}.

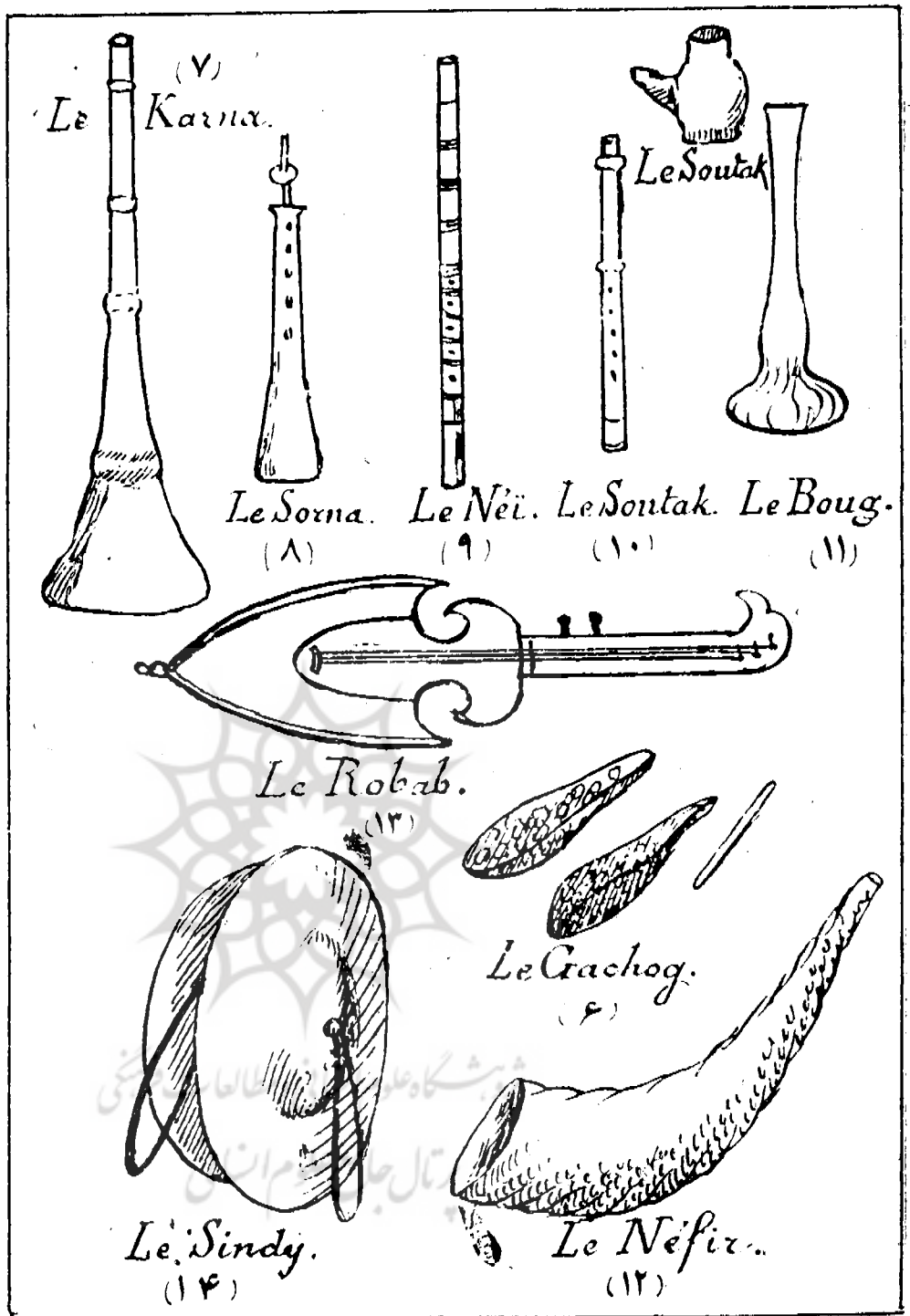
رود

این ساز که تقریباً شباهتی به هارپ (یا چنگ)^{۲۴} دارد، دیگر در ایران موجود نیست ولی در کشمیر نواختنش متداول است.

۲۲ - در متن Khosror چاپ شده است که به نظر درست نمی‌آید.

۲۳ - در باب این ساز، مرحوم خالقی در کتاب سرگذشت موسیقی ایران (جلد اول - صفحه ۱۶۰) چنین نوشته است: «سماح حضور سازی اختراع کرده بود به ترکیب کمانچه، با سیم‌ها و پیچ‌های زیاد و دسته‌ای بلند، بهمین جهت آن را ایستاده میزد و «مجلس آرا» نام نهاده بود» و در ذیل همین صفحه می‌خوانیم: «ه. ج. فارمر انگلیسی که در موسیقی ایران و عرب مطالعات زیاد کرده و درین باب کتاب نوشته، می‌نویسد: در دوره اخیر، در ایران به اصلاح و تکمیل آلات موسیقی کوشیده‌اند، مثلاً در ۱۲۹۰ هجری قمری، شخصی همدانی کمانچه‌ای به اسم «رموز» اختراع کرد و در ۱۳۰۰ هجری قمری، میرزا غلامحسین دونوع کمانچه دیگر را که یکی موسوم بود به «مدیلان» و دیگری بنام «طرب‌انگیز» است متداول ساخت.» از شخص دیگری شنیدم که می‌گفت: نام ساز میرزا غلامحسین «رموز همزه» بوده است. رموزه همزه نام کتاب قصه‌ای است که سرشار از اغراق‌ها و دروغ‌های عجیب و غریب است و در حقیقت می‌توان گفت که: همه رمزی را دربردارد. شاید ساز مزبور دارای رمزهای مختلف بوده که به این نام موسوم شده است - شخص دیگری هم اسم ساز، غلامحسین را «رموز خسروی» گفته است و این نام بیشتر به حقیقت نزدیک است زیرا «رموز» در مجلس پادشاه نواخته می‌شده است.

۲۴ - رود نوعی عود یا بربط است - بنابراین تشبیه آن به چنگ نادرست بنظر می‌آید.



زنگ

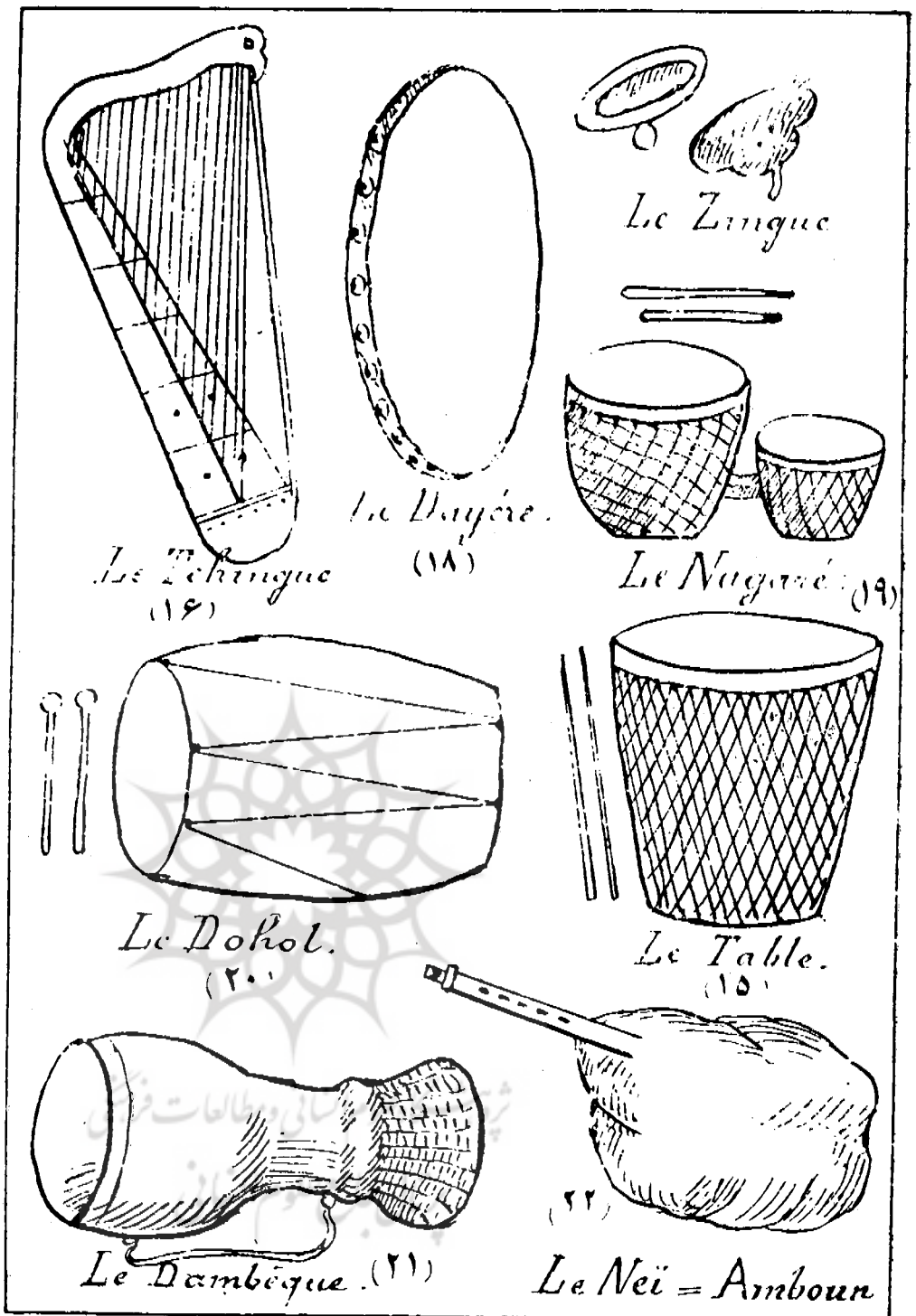
جنس این ساز از برنز است (این همان کاستانیت اسپانیایی هاست) رقصان به هنگام رقص يك جفت از این زنگ‌ها را بر سر انگشتان دست خود می‌بندند - زنگ در تمام ایالات ایران متداول است .

★ ★

اسباب‌های موسیقی که در جشن‌های عمومی به کار می‌روند عبارتند از :

نقییر

نقییر همان شاخ گاو یا شاخ قوچ است که درویشان همیشه ، به خصوص به هنگام خطر آن را بکار می‌برند - سازی است که با دهان در آن می‌دمند و در تمام ایالات ایران متداول است (۱۲) .



چگور^{۳۰}

ساختمان این ساز کاملاً شبیه تار است - پنج سیم از جنس مس زرد رنگ دارد که آنها را با ناخن [انگشت سیبانه دست راست] به اهتزاز می آورند - برخی مواقع ، به جای ناخن از یک قطعه پوست بز ، برای نواختن چگور استفاده می کنند- این ساز در تمام ایالات ایران متداول است (۵) .

دهل

طبل بزرگ ، یا نوعی طبل است که کاسه صوتی آن از جنس مس یا سفال می باشد - دارای دو کوبه از چوب نازک بنام « ترکه » است که آنها را به دوسوی دهل می زنند - دمبک و نقاره

۲۵ - در متن Tchoger بجای Tchogour ثبت شده است .

و دهل و طبل ، از آلات موسیقی ضربی است که با چوبی سخت و مقاوم ساخته می‌شوند (۲۰).

طبل

طبل سازی است بسیار کوچکتر از دهل که آن را نیز با دو کوبه چوبی می‌نوازند (۱۵).

بوق

بوق سازی است که ویژه جشن‌ها باشد نیست - این ساز را برای اعلام آماده‌بودن حمام‌های گرم به کار می‌برند - جنس آن از شیشه یا مس زرد رنگ است - و در تمام ایالات ایران متداول است (۱۱).

سوتک

سازی است که از چوب آبنوس یا شمشاد ساخته می‌شود و مجموعاً دارای ده عدد سوراخ است - نواختنش در همه جا متداول است .

قاشق

این ساز از دو تکه قاشق که بر روی هم نهاده شده است تشکیل می‌شود - در بخش مقعر قاشق‌ها زنگوله‌هایی به منظور ازدیاد صوت تعبیه شده است - قاشق را با دو تکه ترکه چوبی به نوا درمی‌آورند (۶).

کرنا

کرنا سازی است به طول دو متر ، از جنس مس زرد - این ساز را در اعیاد بزرگ ، به هنگام برآمدن و فروشدن آفتاب می‌نوازند - در شهرهای بزرگ ایران نواختنش متداول است (۷).

سینج^{۳۱}

این ساز کاملاً شبیه سمبال Symbale است و جزء سازهای همراهی کننده بشمار می‌آید ، در شهرهای بزرگ ایران نواختنش متداول است (۱۴).

نقاره

مجموعه‌ای از چند طبل را نقاره می‌گویند - این طبل‌ها از جنس مس یا سفال است - کاسه صوتی یکی از آنها بزرگتر از دیگران است - بردهانه این طبل‌ها پوست بز کشیده شده و دو «ترکه» که به آن «چوب» می‌گویند کوبه‌های این ساز را تشکیل می‌دهند (۱۹).

نی انبان^{۳۲} (کرنوموز Cornomuse)

سازی است که در آن نی ، بکار رفته است و در صفحات آذربایجان نواخته می‌شود (۲۲).

سرنا (ابوا Haubois یا ، موزت Musette)

سازی است بادی ، که دارای ۹ عدد سوراخ است ، هشت عدد در یک جانب و یکی در پشت ساز قرار گرفته است ، جنس آن از چوب آبنوس است و نواختنش در اعیاد عمومی در سراسر ایران متداول است (۸).

سوتک

نوعی صفاره (یا سوت سوتک) است از جنس سفال ، که بیشتر برای سرگرمی کودکان

۲۶ - در متن Sindy به جای Sandj چاپ شده است .

۲۷ - در متن به شیوه معاورة اهل تهران Néi-amboun (نی انبون) ثبت شده است - یادآوری این نکته نیز ضروری است که توضیح در باب این ساز جامع نیست و باید به اجمال گفت : سازی است بادی که از یک انبان و یک یا چند نای ترکیب شده است .

بکار می‌رود - در محفظه سوتک ، آب می‌ریزند تا به هنگام دمیدن در آن صدائی شبیه نوای بلبل از آن استخراج گردد - نوع دیگری سوتک موجود است که ساختمان ظاهری آن شبیه به فلوت است.



از آنجا که در موزه کنسرواتوار موسیقی پاریس ، هیچ يك از این سازها موجود نیست ، هموطنان ما مطلقاً نخواهند توانست ، شکل ، ساختمان این اسبابهای موسیقی را در اندیشه خود تجسم بدهند - برای اینکه فرانسویان بتوانند با این سازها آشنا شوند ، طرح‌هایی از روی این سازها برای ثبت در تاریخ ترسیم شده است .

یگانه آرزوی ما اینست که : آقای لومر ، هموطن عزیز ما ، کار را بر کنسرواتوار موسیقی پاریس آسان کنند و مجموعه‌ای از سازهای یاد شده را فراهم آورند .

پایان

دستگاه همایون

تنظیم برای آواز و پیانو

از :

آلفرد لومر

برای اینکه خوانندگان این رساله با نخستین کسی که اقدام به نوشتن موسیقی ایرانی با خط بین‌المللی موسیقی (نوت) کرده است آشنا شوند و نمونه‌ای از این اقدام را مشاهده کنند و در صورت لزوم به مطالعه آن برخیزند ، توضیحاتی را در باب «دستگاه همایون» که در اینجا عیناً به چاپ آن مبادرت می‌شود روا می‌دانم .

۱ - این قطعه بر بنیاد آنچه که یکی از نوازندگان موسیقی ایرانی نواخته است (و احتمالاً مرحوم حسین خان هنگ آفرین باید باشد) توسط مسیو لومر به نوت آمده است .

۲ - طبق اصول و قواعد موسیقی ایرانی ، این قطعه مقام همایون « ر Re » است که علامت ترکیبی آن را مسیو لومر بر اساس قواعد موسیقی غربی « سی بمل - می بمل » نوشته است . باید گفته شود که در روزگار ما علامت ترکیبی مقام همایون « در Re » « سی بمل - می کترن - فادیز » است .

۳ - تاریخ چاپ این اثر به اعتبار نوشته‌ی « سفرنامه اول مظفرالدین شاه به فرنگ » قاعدهٔ باید سال ۱۸۹۷ میلادی ، مطابق با ۱۳۱۷ هجری قمری باشد - در این سفرنامه می‌خوانیم که : « ناصر همایون و مسیو لومر را که به پاریس فرستاده بودیم امروز آمده ، فرمایشات ما را از بابت نوت‌های موزیک بخوبی انجام داده‌اند . »

۴ - طبق آنچه که در نخستین برگ این قطعه به زبان فرانسوی به چاپ رسیده است ، می‌توان استنباط کرد که : این اثر را مسیو لومر ، بعد از نوت نویسی ، برای آواز و پیانو تنظیم کرده ، و با خود به پاریس برده و به چاپ رسانیده و سپس به «دوشیزه رنه مارسل» آموخته و ایشان هم همراه پیانو ، در شبی که مظفرالدین شاه به «کازینوی کنترآگرویل Contrexeville» تشریف فرما شده است اجرا کرده است .

۵ - شکی نیست که مسیو لومر ، ضمن تشریفات مخصوص ، قبل از اجرای این اثر ، نسخهٔ چاپی آن را به مظفرالدین شاه تقدیم کرده است .

۶ - خواننده بجای اینکه از هجاهای «O-E-A» که در خواندن آثاری که بی‌کلام است استفاده کند ، از الفاظی مانند « ده - دلی - دل - دلی - امان امان - جانم - خدا و

در ردی ° که در آواز خوانی آن عصر متداول بوده است ، استفاده کرده است .

۱ - ایبات آواز و تصنیف چنین است :

بار فراق دوستان ، بسکه نشسته بر دلم

میرود و نمی رود ، ناقه بزیر محلم

ای که مهارمی کشی ، صبر کن و سبک برو

وز طرفی تومی کشی ، وز طرفی سلاسلم

این اشعار را آقای گانتن Gantin به زبان فرانسوی ترجمه کرده که در نسخه حاضر ،

زیر ایبات فارسی به چاپ رسیده است .

۸ - متأسفانه سازنده آهنگ این ترانه شناخته نشد ، به احتمال قوی باید از محمد صادق خان

ملقب به سرور الملك باشد .

اکنون می پردازیم به ترجمه مطالب چاپ شده بر روی جلد ، و نخستین برگ این قطعه .

روی جلد :

دستگاه همایون

آواز و تصنیف ایرانی

(درآمد و ترانه)

ترجمه به زبان فرانسوی از : گانتن Gantin

تنظیم برای آواز و پیانو از : آلفرد لومر A. Lemaire

رئیس کل موزیک نظام ایران

اثر دیگری از همین مصنف : سرود ملی ایران .

✱ ✱

ناشر : شودنس Choudens - پاریس

بولوار کاپوسین - شماره ۳۰

چاپخانه : دوپره Dupré

✱ ✱

بر صدر برگ نخستین - جملاتی چنین چاپ شده است :

دستگاه همایون

آواز و تصنیف ایرانی

(درآمد و ترانه)

خواننده : دوشیزه رنه مارسل Renée Marcelle

در کازینوی کنتر اگرویل

ترجمه فرانسوی از : گانتن

تنظیم برای آواز و پیانو از : آلفرد لومر (رئیس کل موزیک نظام ایران) .

DÈST-GÂHÈ HOMÂYOÛN

AVÂZ ET TÈSNÍF PERSANS
(PRÉLUDE ET CHANSON)

Chantés par M^{lle} RENÉE MARCELLE
au casino de Contréreville, devant

S. M. I. MOZAFFÈR ÈD-DÏN CHÂH

Traduction française de

GANTIN

Transcription pour Chant et Piano

par A. LEMAIRE

Directeur général des Musiques de l'Armée Pe

Maestoso

CHANT

PIANO

f

Dè — dè — dè dèlè dè — dèl.è

dèi dèdèi dè dèi dè dè — lè dèlèdèdèl è a-màn a-màn

Allegretto

dè — dè — dè dèl è dèl è dèl è dè — lè dèdèl è